

دعای ۷۷- در طلب روزی

اللَّهُمَّ سَأَلْتُ عِبَادَكَ قَرْضاً مِمَّا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ،

خداوندا، تو از بندگانت خواستی از همان نعمتی که خودت به آنان از روی فضل بخشیده‌ای، به تو قرض دهند،

وَضَمِنتَ لَهُمْ مِنْهُ خَلْفاً،

و در مقابل این قرض، پاداش و جبران را برایشان ضمانت کردی.

وَوَعَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَعْداً حَسَناً،

و به آنان وعده‌ای نیکو در برابرش دادی.

فَبَخِلُوا عَنْكَ،

اما آنان از بخشش به تو دریغ کردند.

فَكَيْفَ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ إِذَا سَأَلَهُمْ؟

پس چگونه انسان دست نیاز به سوی کسی دراز کند که از تو بسیار پایین‌تر است؟

فَالْوَيْلُ لِمَنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ إِلَيْهِمْ.

پس وای بر آن‌که نیازش را پیش چنین مردمی ببرد.

فَاعُوذُ بِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَكِلَنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ،

به تو پناه می‌برم؛ مولای من! مبادا مرا به هیچ‌یک از آنان واگذار کنی.

فَإِنَّهُمْ لَوَيَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ

زیرا اگر آنان خزانه‌های رحمت تو را هم در اختیار داشتند،

لَأَمْسَكُوا خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ

از ترس انفاق، آن را دریغ می‌داشتند؛

بِمَا وَصَفْتَهُمْ، ﴿وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾

همان‌گونه که خود وصفشان کرده‌ای: «انسان همواره بخیل بوده است»

اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ مَحَبَّتِي،

خداوند! محبت مرا در دل بندگانت بیفکن،

وَضَمِّنِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقِي،

و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزی من گردان.

وَأَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْدَائِكَ مِنِّي،

و ترس و هراس از من را در دل دشمنانت بیفکن.

وَأَنْسِنِي بِرَحْمَتِكَ،

مرا با رحمت خود مونس و همراه کن،

وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاجْعَلْهَا مَوْصُولَةً بِكَرَامَتِكَ إِيَّايَ،

و نعمت را بر من کامل کن و به بزرگواری‌ات، آن را برایم همواره پایدار و پیوسته بدار.

وَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ،

توفیق شکرگزاری‌ات را عطایم کن،

وَأَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ،

وافزونی نعمت را از جانب خود برایم مقرر فرما.

وَلَا تُنْسِنِي^۱، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ،

مرا دچار فراموشی مکن و در زمره غافلان قرارم مده.

أَحْبِبْنِي^۲ وَحَبِّبْنِي،

دوستم بدار و محبوبم گردان،

وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ

وآن گفتار و کرداری را که دوست می‌داری در نظرم محبوب گردان؛

حَتَّى أَدْخُلَ فِيهِ بِلَذَّةٍ، وَأُخْرَجَ مِنْهُ بِنَشَاطٍ،

چنان‌که با لذت به آن روی آورم و با میل و اراده از آن روی گردانم،

وَأَدْعُوكَ فِيهِ بِنَظَرِكَ مِنِّي إِلَيْهِ

و در آن با توجه به نگاه لطف تو به سویت روی آورم،

لِأَدْرِكَ^۳ بِهِ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ الَّذِي مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ

أَوَّلِيائِكَ،

تا به وسیله آن به فضلی که از سر بخشش به دوستانت ارزانی داشته‌ای دست یابم

۱. تُنْسِنِي

۲. أَحْبَبْنِي

۳. لِأَدْرِكَ

وَأَنَالَ بِهِ طَاعَتَكَ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ.

و به طاعت تو نائل شوم؛ که تو نزدیک و اجابت کننده‌ای.

رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِي عَافِيَتَكَ،

پروردگارم! تو همواره مرا به عافیت خویش عادت داده‌ای،

وَعَذَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ،

و با نعمت پرورده‌ای،

وَتَغَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ،

و با رحمت دربر گرفته‌ای.

تَغْدُو وَتَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا،

هر صبح و شام، فضل و بخشش پیش‌دستانه تو بر من می‌رسد و من جز این، چیزی نمی‌شناسم.

وَرَضِيَتْ مِنِّي بِمَا أَسَدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْرًا مِنِّي
عَلَيْهَا،

و پذیرفتی که در برابر بخشش‌هایت به من، آن‌چنان که در توان من است سپاست گویم؛

فَضَعُفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي،

اما سپاس من به سبب ناتوانی و اندکی کوششم نارساست.

فَأَمُنْتُ عَلَى بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ،

پس همان‌گونه که تو آغازگر نعمت‌بخشی به من بودی، توفیق حمد و ستایش را نیز به من عطا کن.

فِيهَا تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ،

که نیکی‌ها به آن کامل می‌شود.

فَلَا تَنْزِعْ مِنِّي مَا عَوَّدْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَكُونَ مِنَ
الْقَانِطِينَ،

پس آن رحمت را که مرا به آن عادت داده‌ای از من باز مگیر،
مبادا از ناامیدان شوم.

فَإِنَّهُ لَا يَقْنُطُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا الضَّالُّونَ،
که جز گمراهان از رحمت تو نومید نمی‌گردند.

رَبِّ إِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾،
وَقَوْلِكَ الْحَقُّ،

پروردگارم! تو خود فرمودی: «وَرِزْقُكُمْ شَمَا وَآنْجِهْ بِهٖ اَنْ وَعْدَهٗ دَادَهٗ
مِی شَوید، در آسمان است.» و سخن تو حق است.

وَأَتَّبَعْتَ ذَلِكَ مِنْكَ بِالْيَمِينِ لِأَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ،
فَقُلْتَ:

و پس از آن، برای اینکه من از اهل یقین باشم، بر آن سوگند
خوردی و فرمودی:

﴿فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أُتِّكُمُ
تَنْطِقُونَ﴾

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این وعده، حتماً حق
است، همان گونه که شما [یقین دارید که] سخن می‌گویید.

فَعَلِمْتُ ذَلِكَ عِلْمَ مَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعِلْمِهِ

و من این را می دانستم اما از دانش خویش سودی نبردم؛ مانند کسی که از علم خویش بهره‌ای ندارد.

حِينَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ وَأَنَا مُهْتَمٌّ بَعْدَ ضَمَانِكَ لِي،
وَحَلْفِكَ لِي عَلَيْهِ

زیرا که صبح و شام، با آن که تو روزی مرا ضمانت کرده و بر آن سوگند خورده‌ای،

هَمًّا أَنَسَانِي ذِكْرَكَ فِي نَهَارِي، وَنَفَى عَنِّي التَّوَمَّ فِي لَيْلِي،
گرفتار دغدغه‌ای بودم که یاد تو را در روز از خاطرم برد و خواب را در شب از چشمانم گرفت؛

فَصَارَ الْفَقْرُ مُمَثِّلًا بَيْنَ عَيْنَيَّ، وَمَلَأَ قَلْبِي.

چنان که فقر را پیش چشمان خود مجسم دیدم و دلم از نگرانی آن آکنده شده بود.

أَقُولُ: مِنْ أَيْنَ؟ وَإِلَى أَيْنَ؟ وَكَيْفَ أَحْتَالُ؟

پیوسته می‌گویم: از کجا بیاورم؟ به کجا بروم؟ چه تدبیری کنم؟

وَمَنْ لِي؟ وَمَا أَصْنَعُ؟ وَمِنْ أَيْنَ أَطْلُبُ؟ وَأَيْنَ أَذْهَبُ؟
وَمَنْ يَعُودُ عَلَيَّ؟

تکیه‌گاهم کیست؟ چه کار باید بکنم؟ از کجا بجویم؟ به کجا پناه ببرم؟ چه کسی به من رسیدگی خواهد کرد؟

أَخَافُ شِمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ، وَأَكْرَهُ حُزْنَ الْأَصْدِقَاءِ،

از شمات و سرزنش دشمنان می ترسم و اندوه دوستان را خوش ندارم.

فَقَدْ اسْتَحَوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ إِنَّ لَمْ تُدَارِكْنِي مِنْكَ
بِرَحْمَةٍ تُلْقِي بِهَا فِي نَفْسِي^۵ الْغِنَى، وَأَقْوَى بِهَا عَلَى أَمْرِ
الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا،

پس اگر از جانب خود، رحمتی شامل حالم نکنی که با آن احساس بی نیازی در دل من بیفکند و مرا بر کار آخرت و دنیایم نیرومند سازی، شیطان قطعاً بر من چیره می شود.

فَارْضِنِي^۶ يَا مَوْلَايَ بِوَعْدِكَ كَيْ أُوفِيَ بِعَهْدِكَ،

پس ای مولای من، مرا به وعدهات خشنود و آرام کن تا به عهد تو وفا کنم.

وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ،

و روزیات را بر من وسعت بخش

وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِكَ،

و مرا از عمل کنندگان به طاعت خویش قرار ده

حَتَّى الْقَاكَ سَيِّدِي وَأَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ.

تا تو را ای سرورم، در حالی دیدار کنم، که در شمار پرهیزکاران باشم.

۵. نَفْسِي

۶. فَارْضِنِي

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ،

خداوندا، مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان هستی.

وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ،

و بر من رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

وَاغْفُ عَنِّي وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِينَ،

واز من درگذر که تو برترین گذشت کنندگان هستی.

وَارْزُقْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ،

وروزی ام را برسان که تو بهترین روزی دهندگانی.

وَأَفْضِلْ عَلَيَّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُفْضِلِينَ،

و بر من بخشش افزون عطا کن که تو بهترین بخشندگان هستی.

وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ،

و مرا مسلمان بمیران و به شایستگان ملحق کن.

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ يُبْعَثُونَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ

وَلَا بَنُونَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

و در روز قیامت رسوایم مکن؛ روزی که مردم برانگیخته می شوند، روزی که نه مال و نه فرزندان هیچ سودی ندارند. ای سرپرست و دوستدار مؤمنان.

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا عِلْمَ لِي بِمَوْضِعِ رِزْقِي،

خدایا، من نمی دانم روزی ام در کجا مقدر شده است،

وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِمَخْطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِي،

بلکه بر اساس اندیشه‌ها و گمان‌هایی که به دلم می‌افتد، در جست‌وجوی آن برمی‌آیم

فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ فِي الْبُلْدَانِ،

و برای یافتنش در شهرها و سرزمین‌ها می‌گردم.

وَأَنَا مِمَّا أَحَاوِلُ وَأُطَالِبُ^۷ كَالْحَيَّرَانِ،

در آنچه می‌جویم و پی می‌گیرم، همچون فردی سرگشته هستم

لَا أَدْرِي فِي سَهْلٍ أَوْ فِي جَبَلٍ أَوْ فِي أَرْضٍ أَوْ فِي سَمَاءٍ، أَوْ
فِي بَحْرٍ، أَوْ فِي بَرٍّ،

نمی‌دانم روزی‌ام در دشت است یا در کوه، در زمین است یا در آسمان، در ریاست یا در خشکی

وَعَلَى يَدَيَّ مَنْ هُوَ، وَمِنْ قَبْلِ مَنْ،

و نیز نمی‌دانم به دست چه کسی و از سوی چه کسی به من می‌رسد.

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ^۸ عِنْدَكَ، وَأَنَّ أَسْبَابَهُ
بِيَدِكَ،

اما می‌دانم که علم به همه این‌ها نزد توست، و اسباب آن در دست توست،

۷. طَالِبٌ

۸. كُلُّهُ

وَأَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ، وَتُسَبِّهُهُ بِرَحْمَتِكَ.

واین تویی که روزی را با مهربانی خود تقسیم می‌کنی و با رحمت اسباب رسیدن آن را فراهم می‌سازی.

فَاجْعَلْ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً،

پس روزی‌ات را برای من فراخ و گسترده قرار بده،

وَمَطْلَبَهُ سَهْلاً، وَمَأْخَذَهُ قَرِيباً،

و دست‌یافتن به آن را آسان کن و رسیدن به آن را نزدیک گردان.

وَلَا تُعَيِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً،

و مرا برای طلب کردن چیزی که در آن برایم رزق مقدر نکرده‌ای به رنج مینداز؛

فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا إِلَى رَحْمَتِكَ فَقِيرٌ،

که تو از عذاب دادن من بی‌نیازی و من به رحمت تو نیازمندم.

فَجِدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ يَا مَوْلَايَ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

پس ای مولای من، از فضل و بخشش خود بر من عطا کن، که تو قطعاً صاحب فضل و بخششی بزرگ هستی.